

جُنک اشعار شیعی

سده ۹-۱۱ ق

تدوین
(بخشی از جُنک)
علی بن احمد

تحقیق و تصحیح
دکتر زهرا پارساپور

(عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)

اکرم کرمی





سرشناسه	: علی بن احمد، قرن ۴۹ق.، گردآورنده
عنوان و نام پدیدآور	: جنگ اشعار شیعی / علی بن احمد؛ تحقیق و تصحیح زهرا پارساپور، اکرم کرمی؛ نظارت و تولید معاونت پژوهش کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
مشخصات نشر	: تهران: مجلس شورای اسلامی، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری	: ۶۴۲ ص.
شابک	: 978-600-220-299-4
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتابنامه.
یادداشت	: نمایه.
موضوع	: شعر فارسی -- مجموعه‌ها
موضوع	: Persian poetry -- Collections
موضوع	: شعر شیعی فارسی -- مجموعه‌ها
موضوع	: Shiite poetry, Persian -- Collections
شناسه افزوده	: پارساپور، زهرا، ۱۳۴۴ -، مصحح
شناسه افزوده	: کرمی، اکرم، ۱۳۶۰ -، مصحح
شناسه افزوده	: ایران. مجلس شورای اسلامی. کتابخانه، موزه و مرکز اسناد. معاونت پژوهشی
شناسه افزوده	: ایران. مجلس شورای اسلامی. کتابخانه، موزه و مرکز اسناد
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۷ ج ۸/۴۸ PIR۴۰۳۲
رده بندی دیویی	: ۸۶۱/۰۰۸
شماره کتابشناسی ملی	: ۵۵۶۴۰۱۰

جُنْگ اشعار شیعی

سده ۹-۱۱ ق

تدوین

(بخشی از جُنْگ)

علی بن احمد

تحقیق و تصحیح

دکتر زهرا پارساپور

(عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)

اکرم کرمی

کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی

۱۳۹۸ - تهران



جنگ اشعار شیعی

(سده ۹-۱۱ق)

تدوین (بخشی از جنگ): علی بن احمد

تحقیق و تصحیح

دکتر زهرا پارساپور و اکرم کرمی

نظارت و تولید: معاونت پژوهش کتابخانه مجلس شورای اسلامی

صفحه آرا: محمود خانی

شماره انتشار: ۴۷۰

ناظر فنی: نیکی ایوبی زاده

چاپ اول: ۱۳۹۷

شمارگان: ۵۰۰

بها: ۵۰۰۰۰۰ ریال

شابک: 978-600-220-299-4

تمامی حقوق چاپ و نشر این اثر در انحصار کتابخانه، موزه و مرکز
اسناد مجلس شورای اسلامی است.

انتشارات و توزیع:

انتشارات کتابخانه مجلس شورای اسلامی: تهران، میدان بهارستان،
خ مجاهدین اسلام، نبش کوچه آجانلو، ساختمان پلیس + ۱۰،
طبقه سوم، تلفن: ۳۳۵۴۸۱۴۷-۸

نشانی سایت اینترنتی: www.Ical.Ir

نشانی پست الکترونیکی: Pajooreshlib@gmail.com

برنام صورت آرای سانی

ادبیات شیعی در فرهنگ فارسی و ایرانی، جریانی فیاض، اصیل، متعهد و معتبر است که از نظر قدمت تاریخی نیز قابل توجه است و از نیمه دوم سده ۴ق تاکنون، هرگز از پویایی نایستاده و در مسیر خود، چشم اندازهای شکوفایی را پدید آورده است.

هرچند که بسیاری از میراث ادبیات شیعی در گذر زمان، به علت عوامل اعتقادی و یا جز آن، از میان رفته است، چندان که از دیوان کسایی مروزی، ابیاتی بیشتر نمانده، و یا از دیوان شاعرانی همچون اسعدی قمی، متکلم رازی و ... نشانی در دست نیست، اما بخش قابل توجهی از این میراث نیز در دست است که احیای آنها، همت متعهدانه می طلبد.

خوشبختانه، شماری از دیوانها و منظومه های شیعی، که جزو موارث ادب فارسی و فرهنگ ایرانی محسوب می شوند، به حلیه نشر آراسته شده اند - و کتابخانه مجلس شورای اسلامی نیز بنا به رسالت اعتقادی و فرهنگی خود، تعدادی از این ذخایر را عرضه کرده است - اما هنوز آثار بسیاری مانده است که بایسته احیا و انتشارند، بویژه اشعار پراکنده ای که در مطاوی جنگها و سفینه ها باقی مانده اند و تدوین و گردآوری آنها، آبخشور عمده ای برای تحقیق در تاریخ ادبیات شعر شیعی به شمار می رود.

از روزگاران کهن، مجموعه سازی اشعار شیعی رایج بوده و شماری از آنها به دست ما رسیده، مانند جنگ عبدالکریم مداح (مورخ ۸۴۹ق) که به کوشش خانم امینه محلّاتی مورد تحقیق و تصحیح قرار گرفته و توسط کتابخانه مجلس شورای اسلامی منتشر شده است (۱۳۹۰)، و همین جنگ اشعار شیعی که به اهتمام علی بن احمد تدوین شده است.

این جنگ که حاوی اشعار نویافته از شعرای متعدد و ناشناخته شیعی، بویژه در موضوع ولایت نامه، در سده های ۹-۱۱ق است، دورنمایی از تاریخ و موقعیت شعر شیعی فارسی را در این قرون نشان می دهد.

از محققان گرامی، خانم دکتر زهرا پارساپور و خانم اکرم کرمی، که این جنگ ارزشمند را بازخوانی کرده اند، تشکر و قدردانی می کنیم و برای آنها از خدای متعال، آرزوی توفیقات روزافزون در خدمتگزاری به فرهنگ ایرانی و اسلامی داریم.

سیدعلی عماد

رئیس کتابخانه، موزه و مرکز اسناد

مجلس شورای اسلامی

فهرست مطالب

مقدمه	هفده
شعر شیعی	هفده
فراز و فرود جریان شعر شیعی	بیست
جنگ علی بن احمد	بیست و هشت
مشخصات نسخه شناسی جنگ	سی
ملاحظات چند در باب محتوا و شیوه تصحیح جنگ علی بن احمد	سی و یک
سنت مناقب خوانی و کتابت اشعار	سی و پنج
شیوه تصحیح در این جنگ	سی و هفت
شاعران مجموعه علی بن احمد	چهل و دو
معرفی شاعران مجموعه علی بن احمد	چهل و دو
ابن حسام	چهل و دو
ابن زاهد	چهل و سه
ابن سید (ر.ک ابو)	چهل و سه
ابن عابد سید (ر.ک ابو)	چهل و سه
ابن کمال فارسی	چهل و سه
ابو	چهل و چهار

احمد جامی	چهل و چهار
احمدی / احمدی بلخی	چهل و چهار
ارسطاليس	چهل و پنج
اشرف بغدادی	چهل و پنج
افجنگی	چهل و پنج
امین دین	چهل و پنج
اوحدی	چهل و شش
بابا حاجی جوالقی	چهل و شش
بلبل	چهل و هفت
بوالقاسم	چهل و هفت
بوالمعالی	چهل و هفت
پشنگی	چهل و هشت
توحیدی	چهل و هشت
ثنایی	چهل و هشت
جلال جعفر فراهانی	چهل و نه
حجت (ر.ک ناصر خسرو)	چهل و نه
حسام	چهل و نه
حسن کاشی	چهل و نه
حمزه کوچک	پنجاه
خواجوی کرمانی	پنجاه
خواجه مقصود	پنجاه و یک
خواری سبزواری	پنجاه و یک
دانیال دولتخانی	پنجاه و یک
درویش اقطع (ناطق شیرازی)	پنجاه و یک
درویش سید	پنجاه و دو
رازی / کمالی رازی	پنجاه و چهار
شاعران دیگر با نام کمالی:	پنجاه و پنج
رضی	پنجاه و پنج

رواسی	پنجاه و پنج
سعدی شیرازی	پنجاه و شش
سلمان ساوجی	پنجاه و شش
سودایی	پنجاه و شش
سید حسین شیرازی	پنجاه و هفت
سید سلیمی	پنجاه و هفت
سید علی	پنجاه و هفت
شکری	پنجاه و هشت
شمسک (مسکین)	پنجاه و هشت
شیخ انوری	پنجاه و هشت
شیخ شمس الدین تبریزی	پنجاه و نه
عبید زاکانی	پنجاه و نه
عزی مروی	شصت
عصار تبریزی	شصت
عطار	شصت
علی احمد / علی بن احمد (الکاتب)	شصت
علی حجاجی	شصت
عمادی / مولانا عمادی	شصت و یک
غریبی	شصت و یک
فارغی	شصت و یک
فردوسی طوسی	شصت و دو
قاسم انوار	شصت و دو
قیاسا (تخلص شاعر)	شصت و سه
کاتبی	شصت و سه
کمال غیاث	شصت و سه
کمال فارسی	شصت و چهار
محمود رضایی	شصت و چهار
محمود گاوآن	شصت و پنج

محمود منور	شصت و پنج
مرشد دین	شصت و پنج
مرشدی	شصت و پنج
مسیب	شصت و شش
مشهوری	شصت و هفت
مغیث‌الدین علی	شصت و هفت
ملا سلیمی	شصت و هفت
ملای روم (مولانا جلال‌الدین رومی)	شصت و هفت
مولانا حمدی	شصت و هشت
مولانا طالب «میر سید»	شصت و هشت
مولانا قطبی	شصت و هشت
مولانا مغیث‌الدین علی	شصت و هشت
مولانا هلال	شصت و نه
میر دیوانه	هفتاد
میر سید مسکین (احتمالاً همان سید علی)	هفتاد
نامور	هفتاد
ندیم	هفتاد
نصرت / مولانا نصرت	هفتاد و یک
نظیری نیشابوری	هفتاد و یک
وحیدی	هفتاد و دو
هاشمی	هفتاد و دو
یادگار	هفتاد و سه
مجموعه علی بن احمد	هفتاد و شش

جنگ علی بن احمد	۱
فی‌المعجز حضرت رسالت صل الله و سلم	۵
معجز حضرت رسالت صلی الله علیه و سلم	۱۰
معجز حضرت خاتم النبی صلی الله علیه و سلم	۱۱
ترجیع‌بند مولانا طالب در مقتل امیرالمؤمنین حسین رضی الله عنه	۱۶

معجز حضرت رسالت پناه خاتم النبى صلى الله عليه و سلم	۲۱
ولایت نامه امیرالمؤمنین علی علیه السلام که دست خود بریده اند و خود درست کرده اند ...	۳۲
ولایت نامه امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب اسدالله الغالب	۳۴
ولایت نامه امیرالمؤمنین حیدر و مع ولایت امیرالمؤمنین حسن	۴۳
تواریخ عمر پیغمبر و ولیان و اکابران و خسروان و حکیمان و درویشان	۴۹
در باب نصیحت مولانا جلال جعفر فرماید	۵۹
حکایت موش و گربه از گفتار عبید زاکانی	۶۱
ناصر خسرو	۶۴
مناقب امیرالمؤمنین علی کرم الله وجهه و له ایضا	۷۱
مناقب امیرالمؤمنین علی ابن ابی طالب اسدالله الغالب	۷۲
مولانا جلال الدین رومی در مدح دوازده امام فرماید	۷۳
در مدح سلطان خراسان شاه علی موسی رضا احمد جامی می گوید	۷۴
مناقب امیرالمؤمنین علی کرم الله وجهه مولانا نصرت گوید	۷۵
در مصیبت کربلا	۷۶
شیخ شمس الدین تبریزی فرماید قدس الله سره	۸۲
نعت رسول الله مولانا خواجه کرمانی فرماید علیه الرحمه	۸۳
مناقب مرتضی علی کرم الله وجهه از گفتار رازی	۸۶
مناقب مرتضی علی کرم الله وجهه از گفتار مولانا افجنگی	۸۹
[قصیده ای در مدح پیامبر از ابن زاهد]	۹۱
مولانا شمس الدین تبریزی فرماید قدس سره	۹۴
مناقب امیرالمؤمنین امام المتقین اسدالله الغالب علی بن ابی طالب کرم الله وجهه ...	۹۵
مناقب امیرالمؤمنین علی کرم الله وجهه مولانا حسن کاشی فرماید	۹۹
مناقب امیرالمؤمنین و امام المتقین اسدالله الغالب علی ابن ابی طالب ...	۱۰۳
مناقب حضرت مرتضی کرم الله وجهه در ترجیع بند مولانا	۱۱۰
کمال غیاث می فرماید	۱۱۰
رباعی بدون عنوان منسوب به خیام	۱۱۵
مناقب امیرالمؤمنین و امام المتقین اسدالله الغالب علی ابن ابی طالب از مرشدی	۱۱۵
مناقب امیرالمؤمنین مرتضی علی کرم الله وجهه مولانا کاتبی فرماید	۱۱۸
نعت رسول الله صلى الله عليه وسلم از گفتار کمال فارسی	۱۲۰

- ۱۲۳ مناقب مرتضی علی کرم الله وجهه درکشتن عنتر لعین
- ۱۲۳ از گفتار مولانا عمادی
- ۱۲۷ [قصیده‌ای در منقبت علی علیه السلام از شاعری نامعلوم]
- ۱۲۹ قصیده‌ای در منقبت علی علیه السلام از اوحدی
- ۱۳۲ مناقب مرتضی علی کرم الله وجهه جنگ جبله زنگی
- ۱۳۲ گفتار خواجه ثنایی
- ۱۳۹ ولایات دیونامه مرتضی علی کرم الله وجهه
- ۱۳۹ در گفتار شیخ انوری قدس سره
- ۱۴۴ مناقب دشت ارژنه از گفتار مولانا افجنکی
- ۱۵۲ ولایات نامه امیرالمؤمنین علی کرم الله وجهه از گفتار ملا سلیمی
- ۱۵۷ ولایت نامه شاه مرتضی علی کرم الله وجهه علی حجاجی گوید
- ۱۶۳ قصیده‌ای بی عنوان در مدح حضرت علی علیه السلام از درویش
- ۱۶۳ مناقب امیرالمؤمنین علی کرم الله وجهه کلام فردوسی طوسی
- ۱۶۹ مناقب امیرالمؤمنین علی ابن ابی طالب اسدالله الغالب کرم الله وجهه
- ۱۷۱ مناقب امیرالمؤمنین حیدر کرم الله وجهه کلام فردوسی طوسی
- ۱۷۳ شمس تبریزی گوید در مدح شاه کونین
- ۱۷۴ مولانا رومی فرماید
- ۱۷۶ مولانا جلال الدین رومی نورالله قبره
- ۱۷۷ شمس تبریزی می فرماید
- ۱۷۹ مناقب امیرالمؤمنین علی کرم الله وجهه کلام مولانا حسن کاشی
- ۱۸۵ ایضاً فی ترجیع بند در منقبت
- ۱۸۷ منظومه‌ای بی آغاز از فارغی گیلانی
- ۱۸۸ مناقب اسدالله الغالب علی ابن ابی طالب
- ۱۹۰ قصه مجنون که به غایت گرسنه بود
- ۱۹۰ قصه مجنون دگر
- ۱۹۱ قصه قارون و موسی پیغمبر
- ۱۹۱ در نصیحت گوید شیخ ثنایی قدس الله سره العزیز
- ۱۹۳ معجز حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و سلم
- ۲۰۴ ولایت نامه امیرالمؤمنین علی علیه السلام قصه دشت ارژنه نوع دیگر

۲۰۹	ولایت نامه امیرالمؤمنین علی علیه السلام گفتار سید علی
۲۱۰	مناقب امیرالمؤمنین علی علیه السلام گفتار سید سلیمی
۲۱۲	ولایت نامه امیرالمؤمنین علیه السلام گفتار رواسی
۲۱۶	ولایت نامه امیرالمؤمنین علیه السلام گفتار ابو
۲۲۴	مولانا قطبی راست
۲۳۰	معجز مصطفی صلی الله علیه و سلم لکاتب
۲۳۲	مناقب از گفتار بابا حاجی اسماعیل جوالقی علیه الرحمه
۲۵۳	ایضاً و له نورالله قبره [شعر از حسن کاشی]
۲۵۶	ایضاً وله و نورالله قبره
۲۵۹	ایضاً و له نورالله قبره
۲۶۷	ایضاً و له و نورالله قبره
۲۷۵	ایضاً و له نورالله مرقد
۲۸۱	وفات نامه مولانا حسن کاشی نورالله قبره
۲۸۵	فی نعت حضرت سید المرسلین محمد مصطفی صلی الله علیه و سلم
۲۸۹	خواجه مقصود راست
۲۹۰	متن کوتاه از محمود کاوان
۲۹۱	تاریخ مخدوم مولانا مغیث الدین علی نورالله قبره
۲۹۱	مدح دوازده امام
۲۹۱	مناقب امیرالمؤمنین از میر دیوانه
۲۹۲	مقتل نا (؟)
۲۹۲	متقل از حمزه کوچک
۲۹۵	نعت از نظیری
۲۹۶	ایضاً و له شعر دیگری از نظیری
۲۹۶	ایضاً و له نور الله قبره قصیده ای در مدح علی علیه السلام از کاشی
۲۹۸	حکایت زنگی از مشهوری
۲۹۹	حکایت استاد و شاگرد از ندیم
۳۰۶	در فرائض روزه داشتن
۳۰۶	بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین
۳۰۶	حکایت از نویسندگانی نامعلوم

- ۳۱۳ مناقب امیرالمؤمنین اسدالله الغالب علی ابن ابی طالب کرم الله وجهه.....
- ۳۲۱ بحر طویل از گفتار مولانا دانیال دولتخانی
- ۳۲۳ رباعی از عبید.....
- ۳۲۳ و له (ترکیب بندی از عبید).....
- ۳۲۵ هجو جمال الدین حسین.....
- ۳۲۵ مسمط رباعی از احمدی
- ۳۲۵ من کلام احمدی.....
- ۳۲۷ له ایضاً له
- ۳۲۷ سروده‌ای در مدح علی علیه السلام از احمدی.....
- ۳۲۹ قصیده‌ای در مدح نصیرالدین از احمدی.....
- ۳۳۰ بحر طویل از گفتار مولانا حمدی علیه الرحمه.....
- ۳۳۲ ناتمام از شاعری نامعلوم [حکایت زن پارسا].....
- ۳۴۹ ولایت نامه امیرالمؤمنین علی علیه الصلوة السلام.....
- ۳۴۹ از شاعری نامعلوم (به سال ۷۵۵ هـ ق).....
- ۳۵۷ ولایت نامه امیرالمؤمنین علی علیه السلام دست بریده و.....
- ۳۶۲ معجز حضرت رسالت پناه صلی الله و سلم از محمد منور.....
- ۳۶۵ مناقب امیرالمؤمنین علی کرم الله وجهه گفتار حمزه کوچک.....
- ۳۶۶ مناقب امیرالمؤمنین اسدالله غالب علی ابن ابی طالب کرم الله وجهه.....
- ۳۶۸ ولایت نامه امیرالمؤمنین علی کرم الله وجهه مرده زنده کردن
- ۳۶۸ از نجم محتاج (به تاریخ ۷۴۶ هـ ق).....
- ۳۷۵ معجز نامه موسی پیغمبر علیه الصلوة والسلام از سلیمی.....
- ۳۸۲ قصیده در آرزدن مادر و پدر، احمدی گوید.....
- ۳۸۹ ولایت نامه امیرالمؤمنین حیدر کشته عمر و.....
- ۳۸۹ عنتر کرم الله وجهه از شاعری نامعلوم.....
- ۳۹۳ حکایت جوان کفن دزد و شیطان از راه بردن از شاعری نامعلوم.....
- ۴۰۱ معجز حضرت رسالت پناه که چهار معجز در یک معجز آمده است.....
- ۴۰۵ ولایت نامه شاه مردان از مرشد دین
- ۴۱۴ قربان نامه اسماعیل پیغمبر صلی الله علیه السلام گفتار محمود رضایی
- ۴۲۰ حکایت کند حوا از جبرئیل پرسیدن احوال را کشف شدن

۴۲۰	 به فرمان خدای تعالی از امین الدین
۴۲۶	 مناقب امیرالمؤمنین علی کرم الله وجهه گفتار مولانا حسن کاشی
۴۳۰	 ولایت نامه امیرالمؤمنین علی علیه السلام گفتار درویش اقطع (ناطق شیرازی)
۴۳۷	 مناقب اسدالله الغالب علی ابن ابی طالب گفتار ابن کمال فارسی
۴۳۹	 قطعه ای از شاعری نامعلوم
۴۳۹	 ارسطاليس حکیم فرماید
۴۴۰	 مناقب امیرالمؤمنین اسدالله الغالب علی ابن ابی طالب کرم الله وجهه
۴۴۱	 فتوت نامه از گفتار سید عزى مروى رحمة الله عليه
۴۴۵	 قصیده ای با عنوان شاه قاسم انوار فرماید
۴۴۹	 مناقب امیرالمؤمنین امام المتقین اسدالله الغالب علی ابن ابی طالب از سودایی
۴۵۳	 ولایت نامه اسدالله الغالب علی بن ابی طالب مسلمان شدن افصح خباز از حسام
۴۶۱	 ولایت نامه امیرالمؤمنین اسدالله الغالب علی بن ابی طالب علیه السلام از سلیمی
۴۸۰	 ولایت نامه امیرالمؤمنین اسدالله الغالب علی بن ابی طالب علیه السلام از توحیدی
۴۹۱	 مولانا جلال الدین رومی فرماید
۴۹۳	 وله ایضاً غزلی دیگر از مولانا جلال الدین رومی
۴۹۴	 وله غزلی دیگر از مولانا جلال الدین رومی
۴۹۵	 غزلی دیگر از مولانا جلال الدین رومی
۴۹۷	 قصه سلطان ابراهیم ادهم از عطار
۴۹۸	 حکایت سلیمان پیغمبر علیه السلام و کرم دریا بار از شاعری نامعلوم
۵۰۰	 منظومه ای از عبدل
۵۰۱	 شیخ مصلح الدین سعدی شیرازی فرماید علیه الرحمه
۵۰۶	 مناقب امیرالمؤمنین علی کرم الله وجهه گفتار شیخ سعدی شیرازی
۵۱۰	 غزلی دیگر از سعدی
۵۱۱	 حجت امیرالمؤمنین علی کرم الله وجهه سید ناصر خسرو
۵۱۴	 لا فتی الا علی لا سیف الا ذوالفقار
۵۱۴	 انما ولیکم الله ورسوله
۵۱۴	 و یطعمون طعام علی حبه مسکیناً و یتیمأ و اسیرأ
۵۱۷	 لا یحبک الا مؤمن تقی و لا یبغضک الا منافق شقی
۵۱۸	 لو کشف الغطاء ما زددت یقینا

۵۱۹	یا ایها الذین آمنوا اذا ناجیتم الرسول
۵۱۹	رجل الاسلام و ارجل الاغنداً
۵۱۹	انت منی بمنزله هارون من موسی
۵۲۰	انت ضارب بالمضربین و رامح بالرمحین
۵۲۱	ولایات امیرالمؤمنین حسین رضی الله عنه از شکری
۵۲۴	مناقب امیرالمؤمنین علی کرم الله وجهه گفتار مولانا افجنکی
۵۲۶	وله غزلی از وحیدی
۵۲۶	و له غزلی از عطار
۵۲۷	غزلی از شمس تبریزی
۵۲۸	غزلی از هاشمی
۵۲۹	غزلی از غریبی
۵۲۹	غزلی از حافظ
۵۳۱	غزلی از سعدی
۵۳۱	غزلی از عراقی
۵۳۲	غزلی از عراقی و له
۵۳۲	غزلی از سلمان
۵۳۳	غزلی از عصار
۵۳۴	غزلی از سعدی
۵۳۵	غزلی از عصار
۵۳۶	غزلی از ابن سید فرماید
۵۳۷	غزلی از ابرهیم پشنکی
۵۳۸	و له رباعی از پشنکی
۵۳۸	رباعی (قطعه‌ای از گلستان سعدی)
۵۳۹	رباعی انجامه
۵۴۱	واژه‌های دشوار
۵۴۷	نمایه عام
۵۵۵	کتابنامه

مقدمه

شعر شیعی

شکل‌گیری جریان شعر شیعی به زبان عربی مقارن با حیات امامان شیعه بوده است. ظهور شاعران بزرگی چون شاعر شهید خزیمه بن ثابت، صحابی رسول خدا و علی (ع)، فرزاد و کمیت بن زید اسدی، (معاصر با امام زین العابدین علیه السلام)، سفیان مصعب، عبدی کوفی، دعبل خزائی (معاصر با امام صادق علیه السلام) به شکل‌گیری این جریان انجامید. شعر شیعی در ادبیات فارسی نیز با ظهور شاعران بزرگی چون کسایی، فردوسی و ناصر خسرو گسترش یافت؛ با این توضیح که بر اساس مستندات تاریخی اقلیت شیعه آزادی لازم را برای تبلیغ و اظهار عقیده نداشتند. به همین دلیل سرودن و ترویج اشعار شیعی همواره با موانعی از سوی قدرت و جامعه روبرو می‌شد. درگیری و تعصبات فرقه‌ای و مذهبی در ایران پیچیدگی‌های خاص خود را داشت به گونه‌ای که به سختی می‌توان مناسبات فرقه‌ای مختلف را با هم و با قدرت حاکم دریافت. در عین حال این سخت‌گیری و تعصب در نواحی مختلف جغرافیایی یکسان نبود. برای مثال در مناطقی که تحت حکومت مقتدر آل بویه بودند فضا برای تبلیغ و ترویج بازتر بود.

شیعیان در سه قرن اول هجری در ایران، با قیام‌های متعدد، نقش مؤثری در تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران داشتند. در قرن چهارم و اوایل قرن پنجم نیز قسمت بزرگی از ایران تحت تسلط دولت‌های طرفدار تشیع یا دولت‌های غیرمزاحم نسبت به شیعه بود.^۱ از این رو شعر شیعه اجازه یافت از همان آغاز شکل‌گیری شعر دری، به حرکت خود ادامه دهد. چهار فرقه اصلی شیعه که گاه یکدیگر را نیز تکفیر می‌کردند در نواحی مختلف ایران ادامه حیات دادند. فرقه نصیریان که شیعه غالبه بودند و معتقد به الوهیت علی(ع). به طور کلی در اشعار بعضی از شاعران شیعه می‌توان نشانی از ترک ادب شرعی و غالی‌گری را مشاهده نمود. هرچند ویژگی دنیای شعر و شاعری اغراق و غلو در توصیف و مدح است اما، در عرصه منقبت امامان و بزرگان دین این غلو می‌تواند نوعی ترک ادب شرعی و خروج از باورهای دینی و مذهبی تلقی شود. این اغراق و غلو در مدح، اختصاص به فرقه خاصی مثل نصیریه ندارد. برای نمونه می‌توان به اشعار میرمختوم نیشابوری اشاره کرد که در مدایحش حدود را درنور دیده است. وی در مدح امام علی(ع) چنین سروده است:

ای منزه نقطه علم تواز حد و قیاس وی مقدس ذات تو از رسم تعریف و حدود
... هر کسی از اهل عالم رو به جایی کرده‌اند قبله ما خاکیان جز خاک کوی تو نبود^۲

فرقه دوم شیعه زیدیه است که به امامت زیدبن علی معتقد بودند و در قرن ششم بر مناطق دیلمان و گیلان و طبرستان و گرگان تسلط داشتند. فرقه سوم اسماعیلیه هستند که شاخه نزاریه آن در ایران فعالیت داشت و شاخه ناصریه آن در نواحی مازندران و خراسان و سپس شاخه صباحیه آن در ناحیه الموت و خان لنجان و قهستان و ارجان شکل گرفت. از میان شاعران شیعی این فرقه می‌توان از ناصر خسرو نام برد که در این جنگ نیز تعدادی از قصاید او آورده شده است. فرقه چهارم شیعه امامیه یا جعفریه است که توانست در قرن پنجم و ششم به ترکان نزدیک شود و بسیاری از آنان را به

۱. رک تاریخ ادبیات در ایران، ج ۱، ص ۲۴۴

۲. بررسی سبکی کلیات میرمختوم نیشابوری، ص ۱۲۹

مذهب خود درآورد. به این ترتیب فضا برای تبلیغ این فرقه باز شد و زمینه برای مناقب‌خوانی و مدح ائمه فراهم گردید. مناقیب‌ان که ظاهراً از دوره آل‌بویه در عراق بودند در کوی و برزن قصایدی را در ذکر و منقبت‌خاندان رسول خدا و دلاوری‌های امام علی(ع) می‌خواندند که غالباً مبالغات شاعرانه در آنها دیده می‌شد. از جمله شاعرانی که از شعرشان مناقب‌خوانان بهره می‌بردند قوامی رازی بود. در عین حال بودند شاعران و مناقب‌خوانانی که مورد اذیت و آزار قرار می‌گرفتند تا جایی که گاه زبان آنها را نیز به این سبب قطع می‌کردند.^۱

اظهار علاقه و عشق به خاندان نبوی، اختصاص به شاعران شیعه ندارد، بلکه حجم قابل توجهی از مدایح علوی سروده شاعران اهل تسنن است که با ارادتی خاص سروده‌های ارزشمندی را از خود به‌جا گذاشته‌اند؛ شاعرانی که به امام علی، علیه‌السلام، به عنوان صحابه بزرگ پیامبر و خلیفه چهارم احترام می‌گذارند و محب ایشان هستند و در دیوانشان علاوه بر مدح خلفای سه‌گانه، مدح حضرت علی، علیه‌السلام، هم دیده می‌شود. بسیاری از شاعران بزرگ ادبیات فارسی از جمله مولوی، عطار و سنایی، از زمره این شاعرانند که می‌توان از آنها به‌عنوان شاعران «علوی‌سرا» یاد کرد. ذبیح‌الله صفا درباره شعر قرن نهم می‌گوید: «در این دوره، نه تنها در قصاید غزایی از شاعران این زمان، مانند ابن‌حسام و کاتبی (م ۸۳۹ ه.ق) و لطف‌الله نیشابوری (م ۸۱۶ ه.ق) و امیرشاهی و امیر حاج‌حسینی جناب‌دی و کمال‌الدین غیاث شیرازی و نظام استرآبادی (م ۹۱۱ ه.ق) و فغانی شیرازی و لسانی و جز آنان، مدایحی در ذکر مناقب حضرت علی‌ابن‌ابی‌طالب (ع) و اولاد او داریم؛ بلکه حتی سنیان متعصبی مانند جامی هم از اظهار احترام وافر در اشعار و خاصه در مثنویات خود نسبت به اهل بیت (ع) امتناعی نداشتند.^۲» این واقعیت را از قرون اولیه شکل‌گیری شعر فارسی به‌ویژه در ادبیات عرفانی شاهدیم؛ به‌گونه‌ای که مدایح شاعران بزرگ اهل تسنن از جمله مولوی، برجسته‌ترین سروده‌ها در این حوزه به‌شمار می‌رود. نکته آخر این‌که علاوه بر اشعاری

که در دواوین دو دسته شاعران مذکور ملاحظه می‌کنیم، در ادبیات فارسی با اشعاری آشنا می‌شویم که شاعران در شعر خود از صفات و فضائل و مناقب حضرت علی، علیه‌السلام، در جهت آفرینش‌های ادبی استفاده می‌کنند. در حقیقت هدف اصلی آنان مدح حضرت علی، علیه‌السلام، نیست؛ اما بیان فضائل حضرت را واسطه و وسیله مدح و توصیف قرار می‌دهند. در این اشعارگاه شخصیت و یا صفات حضرت، مشبیه واقع می‌شود تا شخصیتی دیگر را مدح و توصیف کند. حتی گاهی شاعر به خروج از حرمت‌ها دست می‌زند و ممدوح را در جایگاهی بالاتر از حضرت علی، علیه‌السلام، می‌نشانند. مؤتمن دربارهٔ این دسته از اشعار می‌گوید: «این نوع شعر بیشتر در دوره غزنویان و سلجوقیان دیده شد. در این دوره‌ها، ادبیات فارسی بیشتر صبغی مذهبی داشت و به‌خلاف شعر دوره سامانی فاقد روح ملیت و ایران‌دوستی بود. گویندگان اغلب در بیان صفات و ملکات ممدوحین به بزرگان دین و مشهورین قوم عرب مثل می‌زدند و به مفاخر ملی و نامیان باستان چندان توجهی نداشتند.^۱» این‌گونه اشعار را می‌توان در مدایح انوری و امیر معزی در قرون پنجم و ششم دید. برای نمونه، امیر معزی در مدح شمشیر ممدوح خود چنین می‌گوید:

گویی ز بهر نصرت اسلام و قهر کفر تو حیدری و تیغ تو شمشیر حیدرست
واندر زمانه قصه و اخبار فتح تو معروف‌تر ز قصه و اخبار خیبرست^۲

این دسته از اشعار جایی در جنگ‌های علوی و یا جنگ‌های شیعه ندارند، هرچند از صفات و فضایل علی علیه‌السلام در آنها یاد می‌شود.

فراز و فرود جریان شعر شیعی

گسترهٔ اشعار شیعی در بستر تاریخ از قرن چهارم تا چهاردهم، قابل بررسی و تحلیل است. تاریخ با تحولات سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و مذهبی گره خورده است. متأسفانه وجود سلسله‌های متعصب و مستقل غیرشیعی در ایران، سدی بر راه

فعالیت‌های فکری و فرهنگی شیعی بود. حکومت‌های طاهریان، صفاریان، سامانیان، غزنویان، سلجوقیان و حتی خوارزمشاهیان، صرف‌نظر از موارد استثنایی در مقاطع کوتاه، بیشتر بر تسنن اصرار داشتند و حتی در مواردی به قتل عام مردم شیعی دست زدند. در چنین شرایطی شیعیان مهجور بودند و «همیشه مورد بی‌مهری حاکمان قرار می‌گرفتند و سعی می‌کردند برای انجام فعالیت‌های مذهبی و عقیدتی خویش از مراکز حکومت دوری کنند تا در امان بمانند. سخت‌گیری بر گروهی از شیعیان از جمله اسماعیلیان در برخی از دوره‌ها تا به حدی بود که اگر شخصی مورد غضب سلطانی واقع می‌شد، خطرناک‌ترین اتهام وی آن بود که او را «رافضی»^۱ می‌خواندند. در تاریخ نام افراد بسیاری را می‌بینیم که به اتهام رافضی بودن، قرمطی یا اسماعیلی بودن هشتیشان بر باد رفته است. از جمله می‌توان به قتل و غارت مردم شهر ری توسط سلطان محمود اشاره کرد که فرخی سیستانی آن را در قصیده‌ای بازگو کرده است.^۲ در این شرایط، وضعیت شعرای شیعی، جدا از دیگر مردم شیعی نبود. از قرن چهارم تا قرن هفتم، آثار چندانی از شعرای شیعه باقی نمانده و آنچه به دست ما رسیده، در قیاس با قرون بعدی، بسیار محدود و اندک است و می‌توان به سرآمد آن‌ها، فردوسی و کسایی و قوامی رازی، اشاره کرد. شاعر شیعی در این ادوار نه تنها در برابر شعر خویش معمولاً از طرف دربار و یا حکومت، صله‌ای دریافت نمی‌کرد، بلکه ممکن بود سرایش چنین اشعاری با توجه به شرایط سیاسی و فرهنگی و اجتماعی و حاکمان وقت که شیعی نبودند، تهدیدی برای جان او و خاندانش محسوب شود. چنان‌که در این زمان مناقب‌خوانانی بودند که در ازای منقبت حضرت، زبان ایشان را بریدند و یا لبان آن‌ها را دوختند. در کتاب «النقض» از قطع زبان بوطالب مناقبی از مناقب‌خوانان شیعه در روزگار سلجوقیان گزارش شده است.^۳ و البته مناقب‌خوانانی نیز، نظیر حمزه کوچک و رامینی با لقب «اقطع زبان» در کتب تاریخی دیده می‌شوند که شاید آنان نیز قربانی این حوادث باشند.

۱. عنوان یا لقبی طعن‌آمیز که مخالفان شیعه، به‌ویژه شیعیان امامی، به ایشان داده‌اند.

۲. مقدمه دیوان سلیمی تونی، ص ۲۶

۳. النقض، ص ۱۰۸

از نظر جغرافیایی، مهم‌ترین مراکز تشیع در این دوره بنابر گزارش کتاب جغرافیای دینی در ایران در قرن هشتم، شهرهای ری، کاشان، قم و بخش‌هایی از سبزوار و نیشابور بودند.^۱ باید این نکته را متذکر شد که محدود بودن شعر شیعی در این بازه زمانی دلیل بر محدود بودن شاعران شیعی نیست. با توجه به شرایط ذکر شده، شاید پس از مرگ شاعر شیعی دیگر نام و نشانی از او باقی نمی‌ماند و اثرش با گذر زمان از بین می‌رفت. تا قرن هفتم این شرایط سخت بر تشیع حاکم بود تا این‌که با سقوط بغداد به دست هلاکوی مغول، حکومت پانصد و بیست و چهار ساله عباسیان برچیده شد و سلطه سیاسی و معنوی ایشان بر ایران خاتمه یافت. در چنین شرایطی شیعیان آزادانه به نشر عقاید و افکار خویش پرداختند؛ تا جایی که دانشمندان شیعی نظیر خواجه نصیر طوسی به دستگاه ایلخانان (۶۳۶-۷۳۶ ه. ق) راه یافتند و شرایط را برای تبلیغ و اثبات مبانی اعتقادی شیعه و نیز، رشد تفکر شیعی و غالب شدن این مذهب فراهم کردند. در قرن هشتم با روزافزون شدن قدرت شیعه، کم‌کم علما و متفکران اهل سنت نسبت به عقاید تشیع دیدگاهی ملایم‌تر پیدا کردند و شرایط برای پذیرش مذهب تشیع از سوی سنیان غیرمتعصب فراهم شد و بخش‌های وسیعی از ایران کم‌کم تحت نفوذ تفکر و مذهب تشیع درآمد. رسول جعفریان در کتاب اطلس شیعه، اشاره‌ای به رشد چشم‌گیر مناطق شیعی در این دوره دارد و می‌گوید: «درین دوره نه تنها طوس و نیشابور و ری و قم و کاشان زمینه‌ای تازه برای نشر تشیع به دست آوردند، بلکه در شمال ایران از جرجان تا گیلان پایگاهی برای شیعیان محسوب می‌شدند و حتی در اصفهان و آوه و ساوه نیز اقلیتی به ترویج تشیع می‌پرداختند.»^۲ بنابر گزارش کتاب ذکر شده، در این دوره شیعیان به امتیازاتی دست یافتند:

(۱) شیعه شدن سلطان محمد خدابنده معروف به اولجایتو؛

(۲) توجه به سادات و احترام به آنان؛^۳

۲. اطلس شیعه، ص ۲۵۹

۱. ر. ک جغرافیای دینی ایران در قرن هشتم، صص ۹۷-۱۰۱

۳. در جامعه دوران ایلخانی بیش از هر دوران دیگری در گذشته، کار سادات رونق گرفت. آنان مورد احترام

- ۳) ضرب سکه به نام دوازده امام معصوم برای اولین بار؛
- ۴) حذف نام خلفای سه گانه بعد از نام پیامبر در خطبه خوانی؛
- ۵) مزین شدن محراب‌ها و مساجد با نام حضرت علی علیه السلام؛
- ۶) نوشتن رساله‌ای از سوی سلطان محمد خدابنده برای اثبات تشیع خودش؛
- ۷) تأسیس مدارس شیعی به منظور ترویج فقه و کلام شیعی؛
- ۸) حضور علمای شیعی - علامه حلی و خواجه نصیر طوسی - در دربار سلطان محمد خدابنده^۱.

البته به دست آوردن چنین امتیازاتی برای تشیع بعد از گذراندن آن همه خفقان و شگفت‌تر از آن، اسلام آوردن مغولان، این سؤال را به ذهن می‌آورد که چگونه مغولان در مقابل دین اسلام سر فرود آوردند و بخشی از غارت‌گری‌ها و خرابی‌هایی را که در هنگام هجوم خود به بلاد اسلامی روا داشتند، جبران کردند و علاوه بر آن خدماتی نیز، به مسلمین نمودند. سمیرا بهزادی در کتاب بررسی وضعیت تشیع و تصوف در دوره ایلخانان، دلایل و عوامل عمده آن را عوامل سیاسی، عقیدتی و وجود شخصیت‌ها و وزرای مسلمان بانفوذ در دربار برمی‌شمرد. وی در ذیل عوامل سیاسی می‌نویسد: «ایلخانان بخش عظیمی از سرزمین‌های اسلامی را تحت تصرف خود درآورده بودند و ریاست بر دنیای اسلام را حق خود می‌دانستند و از طرف دیگر سلاطین مصر و شام نیز بخش عظیمی از سرزمین‌های اسلامی تحت تصرفشان بود. شاید جنگ بر سر دنیای اسلام بین ایلخانان و مصریان یکی از دلایل اسلام آوردن حاکمان مغول بوده است.^۲» دین حاکم بر مناطقی که مغولان بر آن حکومت می‌کردند، اسلام بود و اسلام در این مناطق نفوذ زیادی

→

و تکریم قرار گرفتند و به شغل‌های مهم دست یافتند. معمولاً قضات و نقبای هر شهر از شیعیان و به‌ویژه، سادات انتخاب می‌شدند؛ حتی در دوره یکی از حاکمان ایلخانی - غازان خان - صدقات و مرسوماتی برایشان مقرر داشت و دارالسیاده‌ها و خانقاه‌ها و مدارس و مساجدی مخصوص آن‌ها بنا کرد. (دین و دولت در ایران عهد مغول، ج ۲، ص ۶۴۸)

۱. همان، صص ۲۵۹ تا ۳۰۱

۲. بررسی وضعیت تشیع و تصوف در دوره ایلخانان، ص ۶۷

داشت و مغولان برای حکومت بر این مردم، ناچار بودند به دین آنان بگروند. بهزادی در مورد عوامل عقیدتی نیز، می‌نویسد: «مغولان به واسطه داشتن تساهل مذهبی و نداشتن برخورد متعصبانه با مذاهب دیگر و همچنین تحت تأثیر دانشمندان و وزرای نخبه مسلمان ایرانی که از احترام و جایگاه بالایی برخوردار بودند به دین اسلام و سپس به مذهب تشیع پیوستند. در پرتو مدارای دینی مغولان بود که اسلام توانست از توقیف و تحت فشار بودن حکومت عباسیان نجات پیدا کند چون نزد حاکمان تازه‌مسلمان فرقی میان شیعه و سنی وجود نداشت و معیار انتخاب افراد نزد آنان مفید بودن و توان افراد بود و آنان به دعوای کهنه فرق مسلمین اهمیتی نمی‌دادند.» (همان‌جا) یکی دیگر از دلایل اسلام آوردن و به‌خصوص شیعه شدن مغولان، کار تبلیغات دینی مسلمین و به‌ویژه، شیعیان و تلاش و نفوذ عالمان شیعی در دربار بوده است.^۱ در چنین شرایط مطلوبی شعر شیعه نیز در مسیر رشد خود حرکت کرد. حسن کاشی، شاعر برجسته عصر ایلخانی، با حضور خود عرصه جدیدی را در حوزه گسترش شعر تشیع گشود.

«بعد از حکومت ایلخانان قدرت به‌دست حکومت‌های محلی افتاد. از این حکومت‌ها سربداران و سادات مرعشی شیعه بودند. سربداران از میان درویشان شیعی مذهب سبزواری برای مبارزه با عمال طغاتی‌مور برخاستند و با دفاع از تشیع و التجا به یک دسته از صوفیه از جمله کسانی بودند که برای ایجاد حکومت‌های شیعی مذهب کوشش مؤثر داشتند. سربداران هرچند نتوانستند در ایجاد این نوع حکومت کاملاً موفق باشند؛ اما شیوه‌ی آنان بعدها موجب شد که حکومت‌هایی نظیر صفویه شکل بگیرد.^۲» بعد از آن حکومت به تیموریان رسید. سلسله تیموریان را نمی‌توان یک سلسله شیعی دانست؛ اما مسلماً یک سلسله سنی هم نیست؛ زیرا در این دوره آثار شیعه به فراوانی در متون ادبی و معماری وجود دارد که در تفسیری ویژه می‌توان آن‌ها را عمیقاً شیعی دانست. تیمور، خود، یک سنی - صوفی با علایق شیعی بود و گه‌گاه حمایت‌هایی از خود نشان می‌داد که بوی تشیع از آن می‌آمد. البته شیعیان در دوره تیموری از امتیازاتی

که در دوره ایلخانی داشتند، هنوز کم و بیش بهره‌مند بودند و همچنان بر قدرت خود می‌افزودند. «گویا همین مایه پیشرفت و نفوذ را کافی نمی‌دانستند و برآن بودند که قیامی بر اهل سنت نموده و یا حکومت ایران را به دست گیرند و یا رسمیت مذهب خود را مسجل سازند. اگرچه این تندروی‌ها با غلبه حنفیان تیموری به نتیجه‌ای نرسید اما مقدمه یک قیام نهایی و غلبه آنان در قرن دهم گردید.^۱» در دوره شاهرخ تیموری به دلیل پاره‌ای از این دست جنبش‌های سیاسی، اقلیتی از شیعیان، اندکی در تنگنا قرار گرفتند.^۲ از نظر تاریخ شعر شیعی، مناقب آل رسول و ائمه اطهار در این دوره امری رایج است و مدح و منقبت امام علی، علیه‌السلام، از جایگاه والایی برخوردار است. در این دوره با رویکردهای متنوعی از شعر علوی نظیر اشعار مناقبی، اشعار فضائلی، اشعار داستانی و اشعار ولایی مواجهیم که هر کدام از این رویکردها زمینه‌ساز گونه‌های متنوعی از اشعار علوی می‌شود. «اشعار مناقبی» اشعاری است که به مدح و منقبت حضرت علی(ع) و اهل بیت او می‌پردازد که خود به زیرگونه‌های دیگری نظیر مرثیه و... تقسیم می‌شود. «اشعار فضائلی» آن دسته از اشعاری است که مضمون آن فضائل امام علی، علیه‌السلام و اهل بیت است و اساس آن بر پایه روایات و آیاتی است که در آن‌ها از فضائل آن حضرت سخن گفته شده است. دو نوع ادبی «ساقی‌نامه سرایی» و «فتوت‌نامه سرایی» را برای این گرایش می‌توان نام برد که هر دو بر اساس روایاتی شکل گرفته‌اند که به ساقی کوثر بودن و پهلوانی و جوانمردی آن حضرت اشاره دارند. «اشعار داستانی» شرح جنگ‌ها و به‌ویژه، روایت‌هایی از زندگی حضرت علی(ع) و فرزندان اوست که هر کدام در روزگاری ساخته شده و بسیاری از آن‌ها زاینده ذهن خلاق شماری از داستان‌سرایان در ادوار مختلف است که خود زمینه‌ساز گونه حماسه دینی و به‌وجود آمدن جنگ‌نامه‌ها و حمله‌های حیدری شده است. «جنگ‌نامه‌ها» با زبان حماسی و در قالب مثنوی سروده شده‌اند. در این نوع اشعار، شعرا به بیان جنگاوری‌ها، دلاوری‌ها و شجاعت حضرت علی، علیه‌السلام، و نیز، به وصف جنگ‌های ایشان می‌پردازند؛ چه جنگ‌هایی که در

زمان حیات پیامبر و چه جنگ‌هایی که بعد از رحلت ایشان، در زمان خلافت‌شان شرکت کردند؛ نظیر جنگ جمل، صفین و غیره. «اشعار ولایی» اشعاری است که به شرح معجزات منسوب به امام علی، علیه‌السلام، می‌پردازد و از آن می‌توان با عنوان «ولایت‌نامه‌سرایی» یاد کرد. در این نوع، شاعر ابتدا به مدح و ثنای حضرت می‌پردازد و به فضائل و مناقب ایشان، اشارت می‌کند و در اثنای کلام به سبب محبت و دوستی و ولایت ایشان به خود می‌بالد و از خدا می‌خواهد به واسطه شفاعت حضرت علی، او را در روز قیامت ببخشد. مضمون اصلی «ولایت‌نامه‌ها» که معمولاً مناقب‌خوانان و درویشان آن‌ها را در کوچه و بازار می‌خواندند، افتخار به محبت و عشق به حضرت امیرالمؤمنین، علی، علیه‌السلام است. البته شاعر در ولایت‌نامه‌ها به منظور اثبات ولایت حضرت علی، علیه‌السلام به نقل حکایتی از کرامات و یا معجزات ایشان می‌پردازد که این اشارات بر لطف اشعار می‌افزاید. یکی از شاخصه‌های رشد شعر شیعی در قرن هفتم و هشتم، تعامل و تأثیر و تأثر متقابل ادبیات صوفیانه و ادبیات حماسی با شعر شیعی است. چنان‌که می‌دانیم، آثار صوفیانه در این دوره رو به ازدیاد گذاشت؛ بنابراین اصطلاحات صوفیانه که همه‌جا نفوذ کرده بود، در شعر شیعی هم تأثیر گذاشت و موجب شد شعر علوی نیز، با گرایش‌های صوفیانه و عارفانه روبرو شود. تنها برای نمونه به یک اصطلاح اشاره می‌شود: «اصطلاح «شاه ولایت» برای اولین بار از قرن نهم برای امام علی، علیه‌السلام، رواج یافت و اساس آن یک مفهوم صوفیانه بود که به تدریج به فرهنگ شیعه انتقال یافت و نوعی تطبیق در آن صورت گرفت. استفاده از مفهوم «شاه» که مفهومی سیاسی و سلطنتی بود در عالم صوفیانه، سابقه‌ای قدیمی‌تر دارد. بر اساس گفته شیعی کدکنی قدیمی‌ترین اثری که لقب «شاه مردان» در مورد حضرت دیده شده است کتاب گزیده در اخلاق و تصوف از آثار قرن پنجم یا ششم تألیف ابونصر طاهر بن محمد خانقاهی است که می‌گوید: «فتح موصلی گفت: به خواب دیدم شاه مردان را گفتم مرا پندی ده. گفت: هیچ چیز ندیدم نیکوتر از تواضع توانگران بر درویشان.» در این کاربرد، معنای آن بزرگ و محترم می‌بود. این کاربرد به تدریج در میان صوفیان غلبه کرد و برای سران و

مشایخ استفاده شد. به تدریج برای امامزادگان نیز به کار رفت و زمانی که تعبیر شاه حمزه به کار می‌رفت به معنای امامزاده حمزه بود.^۱

از نظر جغرافیایی مهم‌ترین مراکز تشیع در این دوره بنابر گزارش کتاب جغرافیای دینی در ایران در قرن هشتم، شهرهای ری، کاشان، قم، سبزوار، جرجان، استرآباد، کرج، قزوین، اصفهان، نیشابور و خراسان بودند.^۲ دایره شعر شیعی را در قرن هشتم و نهم می‌توان چنین ترسیم کرد:

۱. مناطق مرکزی ایران: شعر شیعی، به صورت جدی، در حوزه مرکزی ایران شامل منطقه‌ای در حد فاصل ری، قم، کاشان، همدان، قزوین شکل گرفت.^۳

عبدالجلیل رازی در کتاب النقص شماری از شاعران شیعی را یاد کرده که اثری از آنان نمانده است اما در جُنگ‌های مختلف، قطعاتی از شاعران رازی و کاشی وجود دارد؛ مانند اشعار نصرت رازی در قرن هشتم.

۲. منطقه خراسان بزرگ؛ به‌طوری‌که نیشابور، سبزوار، تون و بسیاری از روستاهای خراسان مانند خوسف یا افجنگ و نقاط دیگر، مرکزی برای رشد شاعران جوان شیعی شد که امروز دواوین برخی از آن‌ها بر جای مانده و از شماری دیگر، تنها قصایدی در لابه‌لای جنگ‌ها درج شده است.^۴ لطف‌الله نیشابوری (م ۸۱۲ هـ. ق) و تاج‌الدین حسن ابن سلیمان تونی (م ۸۵۴ هـ. ق) از شعرای این مناطق هستند.

۳. منطقه شمال ایران: از گیلان تا جرجان و استرآباد. از نمونه دیوان شعرای شیعی می‌توان به دیوان نظام استرآبادی اشاره کرد.^۵

مطالب فوق نشان می‌دهد شعر شیعه به‌گواه همه میراثی که از گذشته به‌جا مانده و به‌دست ما رسیده، از عصر صفویه آغاز نشده، بلکه در طول تاریخ ادبیات فارسی از قرن چهارم تا کنون، جریانی پویا و پیوسته داشته است که لازم است محققان ما از دل دواوین و

۱. جعفریان، ۱۳۹۰ در سایت کتابخانه مجلس شورای اسلامی.

۲. جغرافیای دینی ایران در قرن هشتم، ص ۹۷-۱۰۱. همان.

۳. همان. ۴. دین و دولت در ایران عهد مغول، ج ۲، ۶۱۵-۶۱۸.

جُنگ‌ها و نسخ خطی ارزشمندی که ناشناخته مانده است، این اشعار را بیابند و شناسایی کنند. اشعاری که بیشتر آنها در طول قرن‌ها مهجور مانده است و بخش قابل توجهی از آنها نسخه بدلی ندارند.

جُنگ علی بن احمد

جُنگ ۳۵۲۸ دانشگاه تهران یعنی جُنگ علی بن احمد، از جمله جُنگ‌های ارزشمند شیعی است. جز صفحاتی از آن که به موضوعات دیگری مربوط می‌شود، مجموعه‌ای از قصاید منقبتی است که از شاعران شیعه و گاه اهل تسنن در مدح ائمه معصومین به‌ویژه مولا علی علیه‌السلام به‌جا مانده است. کاتب آن، علی بن احمد، خود شاعری شیعی بوده است که در همین جنگ، برگ ۱۳۵ تا ۱۳۷، شعری از خود را با عنوان «معجز مصطفی صلی‌الله علیه و سلم لکاتب» آورده است که هرچند از لحاظ زبانی و ادبی قوی نیست اما به ما نشان می‌دهد که کاتب این جنگ خود شیعه و شاعر بوده است. در دو بیت پایانی شعر او تاریخ سرایش آن ذکر شده است:

ز هجرت نهصد و تسعین و نه بود که شد منظوم این معجز چو شکر
علی بن احمد گفت معجز به توفیق خدای پاک اکبر

(برگ ۱۳۷)

در مقدمه یک صفحه‌ای جُنگ که متعلق به مالک آن و به خط استاد باستانی‌راد است، علی بن احمد معاصر امیرعلی شیر نوایی (۸۴۴-۹۰۶ ه. ق.)، صاحب مجالس‌النفایس، دانسته شده است که البته به‌نظر می‌رسد با توجه به این که سروده علی بن احمد در تاریخ ۹۹۹ ه. ق. بوده است، این معاصر بودن چندان صحیح نباشد و در نهایت شاید به‌سختی بتوان گفت تولد علی بن احمد مقارن با سال‌های پایانی عمر علی شیر نوایی باشد. از سوی دیگر تاریخ کتابت جنگ در انجامه نسخه، روز جمعه ۲۲ ماه صفر سال ۸۴۴ ه. ق. درج شده است. این تناقض را دکتر افشین وفایی در یادداشتی در مجله بخارا حل کرده است. این سفینه متعلق به اواخر سده دهم هجری یا حتی اوایل سده

یازدهم هجری است و تاریخ ۸۴۴ ق فقط مربوط به چند برگ انتهایی نسخه است. با مقایسه تاریخ سرایش شعر متوجه اختلافی فاحش میان زمان حیات شاعر و تاریخ مذکور در انجامة کتاب می شویم. به نظر می رسد تاریخ انجامة کتاب با تاریخ کتابت حداقل بخش اول این جنگ، متناسب نباشد؛ چرا که علاوه بر عدم تطابق با زمان حیات علی بن احمد، با زمان حیات شاعران دیگری که اشعارشان گردآوری شده است نیز، مطابقت ندارد. شاعرانی در این جنگ هستند که متعلق به قرن دهم و یا حتی اوایل قرن یازدهم هستند و ما در بخش زندگی نامه آنها را معرفی نمودیم. تأملی در وضعیت ظاهری و محتوایی نسخه نشان می دهد که این جنگ یک پارچه نیست و به احتمال زیاد از دو بخش مجزا تشکیل شده است؛ بخش اول از آغاز تا صفحه ۳۰۹ و بخش دوم از صفحه ۳۰۹ تا انجامة کتاب. دلایل این ادعا علاوه بر عدم تطابق تاریخ حیات کاتب با تاریخ درج شده در انجامة، عبارتند از:

الف) رنگ کاغذ در این دو بخش تغییر می کند و از صفحه ۳۰۹ به بعد روشن تر می شود.

ب) تغییر دست خط از صفحه ۳۰۹ به بعد، بیانگر این است که کاتب این بخش شخص دیگری است.

ج) از صفحه ۳۰۹ به بعد موضوع اشعار، دیگر ارتباطی با جنگ شاعران شیعه ندارد و اشعار مضمونی تغزلی دارند. شاعرانی که در این بخش سروده هایشان آمده است، عبارتند از: پشنکی، ابن سید، عصار، سعدی، سلمان، عراقی، حافظ، هاشمی و شمس که نام بعضی از آنها در فهرست آغاز کتاب نیامده است.

د) در صفحه ۳۰۸ قصیده ای از افجنگی نیمه کاره رها شده است و صفحه ۳۰۹ نیز، با بیت آخر سروده ای شروع شده است که آغاز آن از نسخه افتاده است.

بنابراین به نظر می رسد بخش اول این کتاب یعنی تا صفحه ۳۰۹، مجموعه اشعاری باشد که علی بن احمد جمع آوری و کتابت کرده است و شامل شعر شاعران تا قرن دهم و اوایل قرن یازدهم است و بخش دوم کتاب یعنی از صفحه ۳۰۹ نسخه تا انتها، متعلق به

قرن نهم (سال ۸۴۴ هـ. ق) و شامل شعر شاعران تا قرن نهم است. این بخش را کاتبی غیر از علی بن احمد نوشته است. بعدها این دو بخش را به هم منضم کرده‌اند و البته فهرست آغاز کتاب بعد از این الحاق و انضمام است. اگر تاریخ سرایش شعر علی بن احمد یعنی سال نهصد و نود و نه را در نظر بگیریم، می‌توانیم حدس بزنیم این جنگ متعلق به نیمه اول قرن یازده است. با این لحاظ می‌توانیم وجود شعر شاعرانی را که در اوایل قرن یازده می‌زیسته‌اند، در این دیوان توجیه کنیم و پاره اصلی این نسخه را متعلق به اوایل قرن یازده بدانیم.

مشخصات نسخه‌شناسی جنگ

این جنگ در اندازه پانزده در بیست و پنج، در قطع وزیری، در ۱۶۱ برگ و هر صفحه دارای بیست و یک سطر (مختلف) است. تعداد صفحات شماره‌گذاری شده ۳۱۷ صفحه است. صفحاتی از این نسخه از جمله آغاز این جنگ، پیش از شماره‌گذاری صفحات افتادگی دارند و در نتیجه مطلع و گاه پایان بعضی از اشعار، موجود نیست. مقدمه کوتاه یک صفحه‌ای به همراه فهرست دو صفحه‌ای - که نام بعضی از شاعران این مجموعه در آن ذکر شده - بعدها شاید توسط مالک کتاب به آغاز این جنگ افزوده شده است. در کنار انجامه، مهری با نوشته «و القیت علیک محبة منی ۱۲۳۱» مشاهده می‌شود. همچنین کاتب، اشعار را با جدول‌کشی‌های لاجورد و شنگرف و زر و عناوین اشعار و نیز ابیاتی که در ترجیع‌بندها تکرار شده را با شنگرف مشخص کرده است.

این جنگ هم از لحاظ قدمت، ارزشمند است و هم از این لحاظ که حاوی اشعاری از شاعران شیعی گمنام است که بعضی از آن‌ها را با وجود تلاش فراوان نتوانستیم شناسایی کنیم از جمله اشعار ارزشمند این جنگ، فتوت‌نامه منظومی از عزّی مروی است که در آن، شرایط هشتادگانه فتیان ذکر شده است. بنابر قول مالک این جنگ در مقدمه، این فتوت‌نامه نسخه دیگری ندارد. همچنین سروده‌ای از دانیال دولتخانی که آن را نخستین بحر طویل دانسته‌اند و نسخه‌ای از «موش و گربه» عبید زاکانی که آن را اقدم نسخ این

منظومه ذکر کرده‌اند. ذکر این نکته لازم است که با توضیحی که درباره تاریخ این جنگ داده شد، این اظهار نظرها قابل تشکیک است.

این سؤال در آغاز راه برای مصححان بدون پاسخ بود که چرا تاکنون این جنگ با وجود شهرتی که در میان محققان دارد، تصحیح نشده است؟ بعد از گذشت ماه‌ها با روبرو شدن با مشکلات تصحیح این تک نسخه که بخش‌هایی از آن نیز افتادگی داشت، پاسخ خود را گرفتیم. بی شک اگر موفق نمی‌شدیم بسیاری از این اشعار را در نسخ خطی دیگر و دواوین چاپی پیدا کنیم، جاهای خالی و نقطه‌چین‌های فراوان متن به ما نیز اجازه نمی‌داد که به چاپ این اثر اقدام کنیم. تردیدی نیست که با گذشت زمان می‌توان نسخه‌های دیگری را از این اشعار یافت و متن را در چاپ‌های بعدی تکمیل نمود.

ملاحظات چند در باب محتوا و شیوه تصحیح جنگ علی بن احمد

به نظر می‌رسد درباره این جنگ و محتوای آن لازم است نکاتی را خدمت خوانندگان محترم و محققان ارجمندی که در حوزه شعر شیعی مطالعه می‌فرمایند، معروض داریم. بعضی از این نکات به ماهیت شعر شیعی که پیش از این درباره آن سخن رفت، برمی‌گردد و پاره دیگر، ویژگی خاص این جنگ است. همچنین مصححان در طول تحقیق و تصحیح این جنگ، دغدغه‌ها و ملاحظات داشتند که بهتر است اصحاب فکر را نیز از آن مطلع گردانند تا در مقام نقد و داوری این موارد را نیز، لحاظ فرمایند:

● درباره ساختار این جنگ باید گفت بی شک هدف اصلی که صاحب این جنگ دنبال می‌کرده است جمع‌آوری اشعاری در مدح و منقبت بزرگان دین و تشیع بوده است. از این رو بیشتر حجم کتاب به مناقب‌نامه‌ها، ولایت‌نامه‌ها، معجزنامه‌ها و مصیبت‌نامه‌ها اختصاص دارد. اما در همه جنگ این هدف دنبال نمی‌شود. در بخش اول کتاب می‌توان نمونه اشعاری را یافت که به طنز، هجو، ماده تاریخ و موضوعات اخلاقی می‌پردازد که البته شمار این اشعار نسبت به حجم کتاب اندک است. از سوی دیگر بخش دوم کتاب که پیش از این متذکر شدیم که کتابت آن از لحاظ تاریخی با

بخش اول متفاوت است به مجموعه‌ای از غزلیات شاعران متقدم چون عطار، مولوی، سلمان عراقی، سعدی و... اختصاص دارد که از این نظر با بخش اول جنگ همخوانی ندارد. بنابراین ساختار جنگ یکدست نیست. چینش اشعار ترتیب زمانی و موضوعی خاصی ندارد.

- همان‌طور که بیان شد، هرچند ما از اصطلاح رایج شعر شیعه استفاده می‌کنیم اما در این جنگ در کنار اشعاری که دیدگاه‌های خاص شیعی در آن‌ها ملاحظه می‌شود، منظومه‌هایی نیز هست که شاعران اهل تسنن آن را سروده‌اند و از این‌رو، در کنار مدح امیرالمؤمنین به مدح خلفا نیز پرداخته‌اند. این سنت در میان شاعران اهل تسنن و شاعرانی که احتمال شیعه بودنشان نیز می‌رود، از دیرباز دیده می‌شود؛ برای نمونه، در شعر خواجه ابیاتی نیز به مدح خلفا اختصاص یافته است. (برگ ۴۹ و ۵۰)
- در این جنگ، پاره‌ای از این اشعار براساس روایات و آیات و رویدادهای تاریخی صدر اسلام است ولی بخش قابل توجهی، براساس روایات و باورهای عامیانه شکل گرفته است و نمی‌توان ماجراهایی را که در آن‌ها ذکر شده است در کتاب‌های تاریخی پی گرفت. با وجود این وصف، مبانی شکل‌گیری این روایات در میان عامه، قابل تأمل و توجه است و در خود واقعیت‌هایی را منعکس می‌سازد. نمونه بارز این تفکرات را در این جنگ می‌توان در «معجزنامه‌ها» و «ولایت‌نامه‌ها» پیگیری کرد.
- یکی از ارزش‌های ادبی که می‌توان در شعر خلاق و جوشان شیعه سراغ گرفت، شکل‌گیری انواع ادبی تازه در ادبیات فارسی است؛ به گونه‌ای که در مجموعه‌های کهن از جمله همین جنگ علی بن احمد می‌توان با انواع شعری تازه‌ای آشنا شد که در دل ادبیات تشیع شکل گرفته است. مصححان در مقاله‌ای^۱ به برخی از این انواع اشاره داشته‌اند که البته تعداد ژانرهایی که تاکنون در جنگ‌ها یافتیم بسیار بیش از آنی است که در این مقاله آمده است و در مجالی دیگر به معرفی آنها خواهیم پرداخت.

۱. کرمی، اکرم. پارساپور، زهرا. (۱۳۹۵). «بازشناخت تحلیلی گونه‌های کمترشناخته‌شده در نوع ادبی شعر علوی». فصلنامه مطالعات نظریه و انواع ادبی. دوره ۱. شماره ۳. ص ۵۵-۷۸.

● نکته دیگر این که گاه شاعران شیعه در همان انواع ادبی رایج در دوره خود شعر می سرودند اما در آن مضمون و یا محتوایی تازه وارد می کردند؛ برای مثال ساقی نامه ها از جمله انواع ادبی رایج در شعر فارسی هستند اما در ادبیات شیعه رنگ و شکل تازه ای به خود گرفتند؛ ساقی مجالس بزم و عیش به ساقی کوثر، علی علیه السلام، اعتلا و ارتقا پیدا کرد و متناسب با آن سایر مضامین مطرح در این نوع ادبی تحول پیدا کردند. بنابراین تأمل در شعر شیعه از حیث تحول در حوزه انواع ادبی نیز قابل توجه است. «معجزنامه»، «دیوانه» و «وفات نامه» نمونه ای از گونه های ادبی تازه در این جنگ هستند.

● از آن جا که این اشعار برخاسته از احساسات و عواطف و اعتقادات شاعران شیعی است و غالباً در فضایی شکل گرفته که با نام اهل سنت، سخت گیری ها و تعصب ها و حتی جنایت هایی صورت می گرفته است، گاه در این سروده ها واکنش تند و متعصبانه و گاه خارج از ادب مورد انتظار از یک مسلمان و شیعه دیده می شود. در همین جنگ نیز، در کنار احساسات پرشور و شعور شاعران، تعصبات فرقه ای و یا مضامین غیراخلاقی و غیرمرتبط با موضوع جنگ در پاره ای از اشعار دیده می شود که از جهاتی می تواند برای محققان قابل تأمل باشد. این سروده های تند و متعصبانه به شاعران شیعه اختصاص ندارد. در همین جنگ شیعی با کمال تعجب سروده سخیفی را ملاحظه کردیم که در هجو شیعیان قم بود و به علت رکاکت کلمات، آن را حذف کردیم. بدیهی است نگاه متعصبانه، هر باور درست و برحق را به وادی تاریکی جمود و جهل می کشاند. اشعار غیراخلاقی در این جنگ، مصححان را در دوراهی سختی گرفتار کرد؛ از سویی، درج بعضی از ابیات سخیف و توهین آمیز برخلاف مصالح اجتماعی و اخلاقی بود و از سوی دیگر، حذف آن ها به تمامیت جنگ آسیب می زد و کار را بر محققان دشوار می کرد. در نهایت تصمیم بر آن شد که توهین های صریح و واژگان درشت و خارج از ادب را حذف کنیم. این به آن معنا نیست که با باقی مانده دیدگاه ها و عبارت ها کاملاً موافق بودیم بلکه مانند هر اثر

دیگری که تصحیح یا ترجمه می‌شود، دیدگاه مصحح و یا مترجم می‌تواند متفاوت باشد.

● اشعار شیعی از ارزش ادبی و هنری یکسانی برخوردار نیستند. در کنار اشعار بلیغ و ادیبانه، گاه با اشعاری روبرو می‌شویم که از لحاظ ادبی ارزش چندانی ندارند و حتی می‌توان اشکالات وزنی و زبانی در آن‌ها دید. در همین جنگ، سستی زبان و کاستی ادبی و هنری در بعضی از سروده‌ها مسجل و آشکارست. اما این اشعار بیانگر ارادت خالصانه شاعرانی است که تلاش می‌نمودند مودّت خود را در تاریخ ثبت کنند. از این رو، اصرار در ثبت این اشعار به معنی اهمیت ادبی آن‌ها نیست، بلکه می‌تواند ما را در جریان شناسی شعر شیعه یاری دهد.

● در این جنگ و جنگ‌های شیعی نظیر آن، سروده‌هایی به شاعران بزرگ نسبت داده شده است. از آن جمله اشعاری منسوب به فردوسی، فرخی، مولوی، سعدی و... آورده شده است که در دواوین و آثار موجود از این شاعران وجود ندارد و البته بسیاری از آن‌ها از لحاظ زبان، سبک و حتی باور مطرح شده در اشعار نمی‌توانند متعلق به آن شاعران باشند. دلایل متعددی می‌توان برای این امر ذکر نمود که متناسب با موقعیت و موضوع این اشعار می‌تواند توجیه‌گر این امر باشند.

از جمله آنها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

الف) اشتراک نام یا تخلص شاعر یا شاعران پرآوازه که موجب شده است در دوره‌های بعد به اشتباه به نام آن شاعر بزرگ در دیوانش درج شود. برای مثال با توجه به تخلص شمس در غزلیات مولانا، اشعار او با اشعار شاعرانی نظیر شمس مغربی و شمس مشرقی درآمیخته و بعضی از کاتبان که این غزلیات را جمع‌آوری می‌کردند به اشتباه هرکجا نام «شمس» می‌آمده به مولوی نسبت می‌دادند.

ب) دلیل دیگر می‌تواند اشتراک و شباهت سبک و زبان باشد. برای نمونه باز می‌توان به اشعاری اشاره کرد که در دیوان شمس آمده است اما متعلق به مولوی نیست. به نظر می‌رسد تنها اشتراک وزن و قافیه و یا محتوای این اشعار با غزلیات آشنای مولوی

موجب این خطا شده است.

ج) گاه کاتبان نیز از سر آگاهی و تفنن دست به طبع آزمایی می زدند. «کاتبان گاه خود به طبع آزمایی می پرداختند و اشعاری بر نظم و سیاق دیوانی که کتابت می کردند، می سرودند و به آن اضافه می کردند.» (نیری و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۶۸)

د) دلیل دیگری که به ویژه درباره شعر شیعی می توان ذکر کرد اینست که با توجه به محدودیت هایی که شیعه در تبلیغ و فعالیت های فرهنگی داشتند شاعر ترجیح می داده است که این اشعار با نام خود او منتشر نشود.

ه) به نظر می رسد شهرت بعضی از شاعران بزرگ موجب می گردید که شعر و البته اندیشه درج شده در آن مورد اقبال و قبول واقع شده و در اذهان و افهام بماند. این امر می تواند انگیزه ای باشد که شاعر یا کاتبی که به دنبال ترویج آن باور و اعتقاد است ترجیح دهد شعر را با نام شاعری بزرگ ثبت و ضبط نماید بی شک اشتباهات کاتبان و صاحبان جنگ ها نیز باید در کنار این علل و عوامل ذکر گردد.

● بخش قابل توجهی از اشعار این جنگ، اشعار مناقبی است. لازم است در خصوص این دسته اشعار، اهمیت تاریخی آن ها و نیز، شیوه کتابت و تصحیح آن ها مطالبی را بیان کنیم:

سنت مناقب خوانی و کتابت اشعار

به دنبال از بین رفتن حکومت و تسلط عباسیان بر ایران، تبلیغات شیعیان وسعت گرفت و چنان که پیش از این بیان شد، در قرن هشتم و نهم یکی از عوامل گسترش تشیع و افزایش گرایش به آن، این تبلیغات، هم در سطح اهل علم و هم در میان مردم عامه بود. یکی از راه های تبلیغ در میان مردم، سنت مناقب خوانی بود. اشعار مناقبی با ویژگی های خاص خود، حجم قابل توجهی از اشعار را در جنگ های شیعی به خود اختصاص می دهند. ذبیح الله صفا در پیشرفت امر منقبت سرایی در سده های هشتم تا نهم چنین می گوید: «در سده های هشتم و نهم که مصادف با نیرو گرفتن فرقه شیعه اثنی عشری

بود، به شاعران متعدد منقبت‌گوی باز می‌خوریم، چنان‌که منقبت‌گویان دوران صفوی را باید به منزلهٔ دنبال‌کنندگان کار آنان به حساب آوریم.^۱ در واقع، تبلیغات شیعی یکی از رایج‌ترین جریان مذهبی قرن هشتم بود و مناقب‌خوانان و شاعران، پیشگام حرکت در این عرصه بودند.^۲ در کتاب تاریخ شیراز در عصر حافظ آمده که یکی از کارهای متداول در شیراز در قرن هشتم، معرکه‌گیری و منقبت‌خوانی در معابر بود و طبقاتی از مردم با اشتیاق تمام به تماشای معرکه‌گیری می‌پرداختند و به گفتار کسانی که از ظهور ناجی خبر می‌دادند، گوش می‌کردند. (همان‌جا)

با تأملی بر روی اغلاط نگارشی و املائی در این نسخه، به نظر می‌رسد بعضی از این اشعار به شیوه مناقب‌خوانی در مجالسی قرائت می‌شدند و کاتب یا کاتبانی در مجلس آن‌ها را می‌نوشتند. این امر موجب می‌شود که به‌ویژه «ولایت‌نامه‌ها» که در مجالس توسط مناقب‌خوانان قرائت می‌شده است، در نسخه‌های مختلف با اختلافاتی درج شوند که فراتر از حد اختلافات معمول در استنساخ اشعار است. از جمله اشتباهات املائی و نیز، ضبط غلط واژگانی که غالباً از لحاظ آوایی نزدیک به هم هستند، جابه‌جایی کلمات و جایگزینی عباراتی است که از لحاظ مضمون مشابه هم هستند و به نظر می‌رسد کاتب، زمان کتابت جا مانده و آنچه شنیده با عبارت خود بیان کرده است. این اشکالات به‌ویژه در مواردی خود را نشان داد که شعر را در دیوان شاعر و پا در نسخ خطی دیگری یافتیم و با آن مقابله کردیم. برای نمونه عبارت زیر را می‌توان در متن مورد نظر ما و در نسخه (۱۳۶۰۹) مجلس، با هم مقایسه کرد:

جواب شاه داد آن شخص که ای سردار اهل دین (برگ ۲۸۱، نسخه ۳۵۲۸ دانشگاه تهران)

جوابش داد پس آن شخص کی سردار اهل دین (برگ ۷۷، نسخه ۱۳۶۰۹ کتابخانه مجلس)

ملاحظه می‌شود که اختلاف دو ضبط چیزی بیش از اختلاف ناشی از خطای کاتب

در رونویسی از یک نسخه است. مراجعه به این قصیده و مقابله ابیات بعدی آن، مؤید این امر است.

نمونه دیگر:

ز کرم اطلس و از نی شکر ز گربه زباد ز ابر قطره ز دریا در و ز حوت سمار

(برگ ۱۲۸، نسخه ۳۵۲۸ دانشگاه تهران)

با تأملی در این بیت می‌توان فهمید که عبارت «ز حوت سمار» که در نسخه، بدون نقطه تاء دیده می‌شود، در اصل «ز چوب ثمار» بوده است که کاتب آنچه شنیده است با غلط املائی نوشته است.

در آغاز همین قصیده ملاحظه می‌شود که کاتب واژه «جهات» را به اشتباه «جهاد» نوشته است که به دلیل نزدیک بودن دو واج «ت» و «د» از حیث آوایی و نه نوشتاری است:

چهار چیز عناصر چنانکه پنج حواس شش است نزد مهندس جهاد ای هشیار

(همان‌جا)

در بیت زیر همین اشتباه را در شنیدن واج‌ها ملاحظه می‌کنیم:

نوح مرسل کی نژاد از موج طوفان یافتی گر نخواندی مصطفی را با امیرالمؤمنین

(برگ ۲۵۳، نسخه ۳۵۲۸ دانشگاه تهران)

کاتب به خطا «نجات» را «نژاد» شنیده و کتابت کرده است که به شیوه تصحیح قیاسی اصلاح گردید.

شیوه تصحیح در این جنگ

با توجه به این که نسخه دیگری از این جنگ یافت نشد مجبور بودیم که روش قیاسی را در تصحیح این متن پیش گیریم؛ با ذکر این چند نکته که اولاً، جز در موارد معدود که در پاورقی ذکر گردید، در متن دخالت و تصرفی حتی در زمینه ویرایشی نداشتیم و تمام تلاش مان در مواردی که نسخه دیگری از اشعار نمی‌یافتیم، این بود که گزارش دقیقی از

همین نسخه داشته باشیم. دوم این که در طول فاصله نزدیک به چهار سال که به تصحیح این متن مشغول بودیم، با جستجو در دواوین چاپی و نسخ خطی و جنگ‌های دیگر توانستیم نسخه یا نسخ دیگری را از بسیاری از این اشعار بیابیم و متن را با آن‌ها مقابله کنیم؛ از این رو، در این موارد شیوه تصحیح ما انتقادی و بر مبنای نسخه اساس بود. غالب اوقات نسخه بدل ما ابیاتی افزون بر متن داشت و یا جابه‌جایی‌های فراوان در آن دیده می‌شد. باز به این دلیل که قصد ما گزارش همین متن بود از ذکر این اختلافات که حجم پاورقی‌ها را گاه بیش از متن می‌نمود، خودداری کردیم و تنها به مقابله ابیات مشترک پرداختیم. یافتن نسخه بدل‌ها که زمان زیادی را از مصححان گرفت، کمک کرد تا بسیاری از واژه‌ها و عبارات محو شده در متن را پیدا و داخل قلاب ذکر کنیم. از سوی دیگر، صفحاتی از متن افتاده بود و ابتدا و انتهای بعضی از اشعار را نداشتیم. این نسخه بدل‌ها کمک کردند که آن‌ها را تکمیل کنیم که البته باز با قلاب این بخش‌ها را مشخص کردیم. علاوه بر دواوین و مجموعه اشعار چاپ شده از سه مجموعه شعری خطی نیز استفاده کردیم که در این جا به معرفی آنها می‌پردازیم:

نسخه ارزشمند (۱۳۶۰۹) کتابخانه مجلس شورای اسلامی: به جنگ شاعران گمنام شهرت دارد. بیشتر اشعار این جنگ در مدح و منقبت خاندان پیامبر (ص) به ویژه مولا امیر مؤمنان علی (ع) بود اما در موضوعات عرفانی، اخلاقی و حتی تغزل نیز سروده‌هایی در آن دیده می‌شد. بنابر این از لحاظ موضوعی و ساختار به جنگ ما شباهت داشت. استفاده از این جنگ آسان نبود چرا که محوشدگی و تیرگی و نیز جابه‌جایی فراوان در صفحات آن دیده می‌شد به گونه‌ای که آغاز و انجام بسیاری از اشعار در آن نامعلوم بود. از این رو ابتدا می‌بایست همه جنگ خوانده می‌شد صفحات آن مرتب و اشعار مورد نظر در آنها پیدا و سپس استنساخ می‌شدند و بعد از آن با متن مقابله صورت می‌گرفت. در مجموع هفت ولایت‌نامه، چهار مناقب‌نامه، یک معجزنامه و یک غزل مشترک در این جنگ دیده و متن با آن مقابله گردید. هرچند اختلاف دو نسخه کم نبود اما مقابله با آن توانست به تصحیح متن کمک شایانی کند.

نسخه خطی دیگری که از آن در مقابله استفاده کردیم، جنگ ارزشمند خزائن القصیده بود که با شماره ۴۹۹۲ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود است. این جنگ قصاید منتخب از حدود چهل شاعر برجسته و نسبتاً مشهور در ادوار مختلف شعر فارسی را در خود دارد. علاوه بر این در حواشی این جنگ نیز قصاید متعددی از دیگر شاعران درج شده است. همان طور که از عنوان جنگ پیداست، قالب محور است، بنابراین هم از حیث شاعران و هم از نظر موضوعات تنوع چشمگیری دارد. قصیده روایی «معجزات دشت ارزنه» از افجنگی در حاشیه صفحه ۱۴۶ این جنگ با اختلاف چشمگیری از متن دیده و متن با آن مقابله گردید.

جنگ ۷۸۸۷ کتابخانه مجلس شورای اسلامی مجموعه‌ای از اشعار نظام، شوقی، سلیمی، لطف، حسن کاشی، ناصر خسرو و... است که در مناقب امیرالمؤمنین سروده شده است. جنگ در ۱۳۸ برگ با خطی نستعلیق است که هم از نظر انسجام محتوایی و هم از نظر ظاهری نسبت به متن ما یکدست‌تر و منظم‌تر است و به نظر می‌رسد از لحاظ ادبی نیز اشعار قوی‌تری انتخاب شده‌اند. شعری در منقبت مولا علی (ع) منسوب به ناصر در این جنگ آمده بود که متن با آن مقابله گردید.

از دیگر نسخ خطی که در تصحیح متن از آن بهره بردیم دیوان امیر مختوم نیشابوری با شماره ۹۴۱۸ در کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی بود. قصیده‌ای منسوب به شاه قاسم انوار در متن ما در آن دیوان مشاهده و با آن مقابله گردید. سایر منابعی که این متن با آن‌ها مقابله شده است، در فهرست منابع ذکر شده‌اند.

مقابله این متن با دواوین چاپ شده نیز، ارزش خاص خود را برای پژوهشگران و به‌ویژه مصححان این دواوین دارد و می‌تواند در تجدیدنظر در تصحیح متن این دیوان‌ها مفید باشد.

در این جا لازم می‌دانیم اصولی را که در تصحیح این متن به آن پایبند بودیم متذکر شویم:

● در بعضی از اشعار افتادگی کلمات مسلم بود و مصححان حدس می‌زدند که چه

کلمه‌ای از قلم کاتب افتاده است. در عین حال ترجیح دادیم شعر به همان صورت اصلی استنساخ شود و کلمه مورد نظر را در پاورقی بیاوریم.

● به جای کلمات ناخوانا در اشعاری که نتوانستیم برای آن‌ها نسخه بدلی پیدا کنیم، سه نقطه گذاشتیم. ذکر این نکته لازم است که حتی اگر یک یا چند حرف از کلمه مشخص بود، آن را در متن یا در حاشیه درج کردیم.

● در مواردی اندک که تردیدی در خطای کاتب نبود در متن به شیوه تصحیح قیاسی عمل می‌شد و واژه به شکل درست درج می‌گردید که البته حتماً در پاورقی این تصرف در متن ذکر می‌گردید. برای مثال:

زبان دام و دد و جن و انس می‌داند نه آن کسی که نداند خبر ز هیچ احوال
(برگ ۵۷)

در نسخه «آنکس» درج شده است که مسلماً غلط است.

علی امام من است و منم غلام علی ز بهر چیست چنین ماجرا و قیل و مقال
(برگ ۵۶)

در نسخه «مثال» درج شده است که مسلماً غلط است.

● در کتابت اشعار بسیاری از ویژگی‌های رسم الخط کهن رعایت شده است. مصححان این رسم الخط را تا جایی که خوانش متن را دشوار نمی‌ساخت حفظ کردند و در بقیه موارد با ذکر در پاورقی به شیوه رسم الخط مصوب فرهنگستان تغییر دادیم.

● در جدانویسی یا سرهم‌نویسی‌ها نیز، تا جایی که خوانش متن با اخلال روبرو نشود، تابع نسخه بودیم. مواردی که جدانویسی صورت گرفت، به‌طور موردی یا کلی در پاورقی ذکر شده است.

● در شیوه کتابت بعضی نسخه‌ها در گذشته، گاه کاتب زمانی که دو حرف در کنار هم قرار می‌گرفت، یک حرف را حذف می‌کرد. این دو حرف می‌توانست در یک کلمه باشد و گاه می‌توانست حرف آخر یک کلمه و حرف ابتدای کلمه بعدی باشد. از آن‌جا که این حذف به روان‌خوانی متن آسیب می‌زد، مصححان این حذف را اعمال

نمودند که البته در پاورقی ذکر شده است. برای مثال:

سمند تیز تک در زیر رانش فکنده برقی بر روی اطهر

(برگ ۱۲۲)

«زیر رانش» در نسخه «زیرانش» درج شده بود.

همین طور «نکته‌ای» به جای «نکته‌های» در برگ ۲۹، «قبیله‌است» به جای «قبیله‌ها» در برگ ۱۲، «دیدهای» به جای «دیده‌های» در برگ ۳۷، «نعرهای» به جای «نعره‌های» در برگ ۹۳، «نامهای» به جای «نامه‌های» در برگ ۳۳، «مرغ رانجا» به جای «مرغ را آنجا» در برگ ۲۲۸، «سجده‌های» به جای «سجده‌های» در برگ ۲۲۷.

● در مورد اغلاط املایی نیز تا جایی که خوانش متن را دشوار نمی‌ساخت، واژه‌ها به همان شکل آورده شد. برای مثال:

«خواتون» به جای «خاتون» در برگ ۲۶.

● در مواردی که واژه‌ای در چند شعر به چند شکل نوشته شده بود، به شیوه متن پایبند بودیم؛ از این رو، دیده می‌شود که بعضی واژگان به چند صورت درج شده‌اند. برای مثال، کلمات «مصطفی» و «مرتضی» را در برگ‌های ۹۸ و ۱۰۶ این جنگ، به شکل «مصطففا» و «مرتضا» در برگ‌های ۹۷ و ۹۵ نیز، ملاحظه می‌کنید.

● «ی» وحدت بعد از اسم‌هایی که با «های» غیر ملفوظ ختم می‌شوند و نیز، «ی» خطاب در فعل ماضی نقلی دوم شخص به صورت «ای» تغییر یافت. برای مثال:

● «خواجه‌ای» به جای «خواجة» در برگ ۲۳، «جبه‌ای» به جای «جبه» در برگ ۲۹۰، «خانه‌ای» به جای «خانه» در برگ ۲۴ و «نه‌ای» به جای «نه» در برگ ۸۵.

● در تصحیح اشعار با وجود این که گاه نیاز مبرم به علایم نگارشی برای کمک به خوانش متن بود، باز به ملاحظه حفظ صورت اصلی نسخه، از گذاشتن هرگونه علامت نگارشی در اشعار خودداری کردیم.